



فرهنگ

بابک وزیری

تعریف: مجموعه رفتار های
اكتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای
یک جامعه معین (اكتسابی-
اعتقادی-جامعه معین)

* هیچ فرد بزرگ سال و طبیعی ، بی فرهنگ نیست.



*کلمه اکتسابی است که فرهنگ را از رفتارهای برخاسته از وراثت و ویژگیهای زیستی متمایز می کند

* گریه کودکان که در همه جوامع بشری دیده می شود فرهنگ محسوب نمی گردد.

جامعه : گروهی از انسان ها است که در طول هزاران سال با یکدیگر زندگی کرده اند، در سرزمین معینی سکونت کرده و خود را بعنوان یک واحد اجتماعی متمایز از گروه های دیگر سازمان داده اند (گروه- هزاران سال- در سرزمین معین- سکونت - یک واحد اجتماعی - متمایز)



***افراد هر جامعه فرهنگ مشترک دارند.**

***ممکن نیست که فرهنگ جدا از جامعه یا جامعه جدا از فرهنگ باشد.**

***هر جا که جامعه ای هست، فرهنگ منطبق بر آن جامعه نیز وجود دارد.**

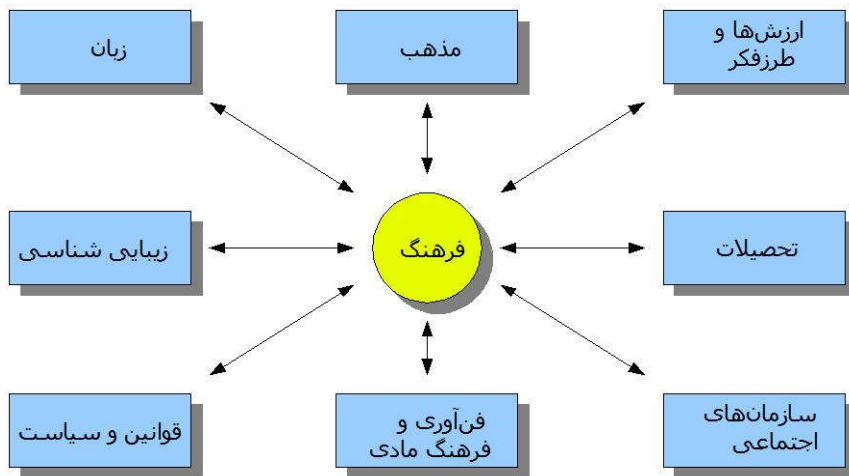
***فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود (نهادهای دینی-زبان-- ارزش ها - باورها- قوانین -سنن- علوم -صنایع)**



راههای انتقال فرهنگ

(۱) رسمی- مدرسه

(۲) غیر رسمی _ گروههای هم سن و سال



ارتباط نمادی
(گفتاری - نوشتاری - جسمانی)

ویژگی خاص انسان:
توانایی و مهارت در برقراری ارتباط با دیگران)
به عالی‌ترین و پیچیده‌ترین شکل)



* ارتباطات نمادی -- اکتساب فرهنگ را آسان و انتقال را آسان کرده (نسل به نسل)

* انسان نمی تواند به حیات خود ادامه دهد اگر استعداد و مهارت وسیع فراگیری زبان و برقرای ارتباط با دیگران را نداشته باشد.



الف_ زبان گفتاری : الگوهای صوتی - معانی
پیوسته به آن

(آموزش و ارتباطات را آسان می کند)

ب_ زبان نوشتاری :
ثبت تصاویری از گفتار
(آموزش و حفظ میراث را تسهیل می کند)



پ_ زبان جسمانی : برقرای ارتباط با حرکات
دست و صورت (ایما و اشاره) - بر گرفته از
ادب عامیانه



* دلیل پرهیز از اشتباهات گذشته = انتقال دانش
با مهارت گفتاری و نوشتاری



* نحوه نگهداری عناصر فرهنگی
(با اهمیت خاص) = زبان نوشتاری

زبان نوشتاری -- علاج بیماری ها ، کشاورزی ،
خانه سازی ، ابزار آلات



* با مطالعه رخدادهای گذشته + سهم بودن در فرهنگ

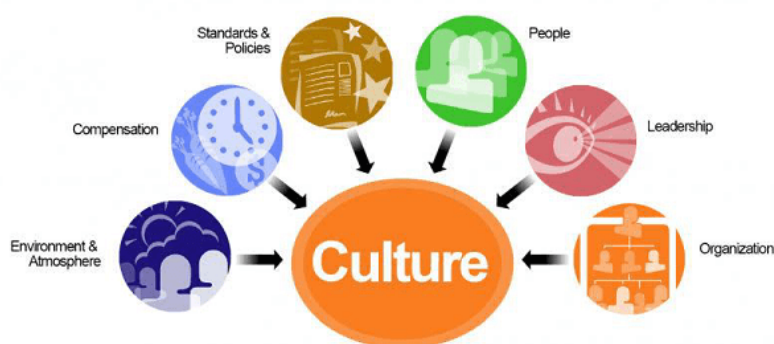
هنجارهای فرهنگی :

معیارهای رفتارهای ثابتی هستند که گروه ، به لحاظ فکری یا رفتاری ، از افراد انتظار دارد یا آنها را تأیید می کند.

* از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می کند

صورت‌های مختلف هنجارهای فرهنگی :

- ۱_ ارزشها
- ۲_ آداب و رسوم
- ۳_ رسوم اخلاقی



ارزش ها = احساسات ریشه دار و عمیقی است
که اعضای جامعه در آن شریکند (اعمال و رفتار
را معین می کنند)



ارزش ها -- موازین دینی - رعایت حقوق والدین
- حفظ آداب و احترام (به طور عمیق در جامعه)
آداب و رسوم = رفتار های عادی در جامعه
(دید و بازدی - سه وعده غذا - حفظ پیوند
خانواده - روابط خانوادگی - مصرف نوشیدنی _
میوه خوردن _ میهمانی)

رسوم اخلاقی = رسومی که ویژگی های معنا
داری از رفتارهای درست یا نادرست را در بر
می گیرد.



* رسوم اخلاقی در نظام حقوقی و آموزش های
مذهبی متبلور می شوند. (بر خلاف مقررات هر
کس عمل کند مجازات می شود)
* اهانت به شعائر مذهبی یا لخت شدن در
مکانهای عمومی

* ممکن است بر اثر بی توجهی ، بی برنامه‌گی ، حرکات و جریان‌ات هدایت نشده یا تغییرات عمدی یا برنامه ریزی شده دگرگون شوند.

*وضع قوانین برای تقویت آداب و رسوم ضروری است.(مجازات قاتل)



فرهنگ آرمانی و فرهنگ موجود

بسیاری از رفتارهای محکوم در مکان های خصوصی و خلوت رواج دارد.

*فرهنگ آرمانی = الگوهای رفتاری آشکار و رسماً تأیید شده

*فرهنگ موجود = عملاً بر جامعه حکومت می کند

*کمتر اتفاق می افتد که عملکرد های کنونی زنان و مردان جامعه با الگوهای آرمانی رفتار، برای مدت زمانی طولانی، بی تفاوت باقی بماند. مثال: سیگار کشیدن در مکان های عمومی، عبور از چراغ قرمز، رعایت نکردن مقررات راهنمایی و رانندگی، تقلب در مواد غذایی، احتکار، تبلیغات بی پایه و جراحیهای غیر ضروری مانند سقط جنین

سازمان فرهنگ

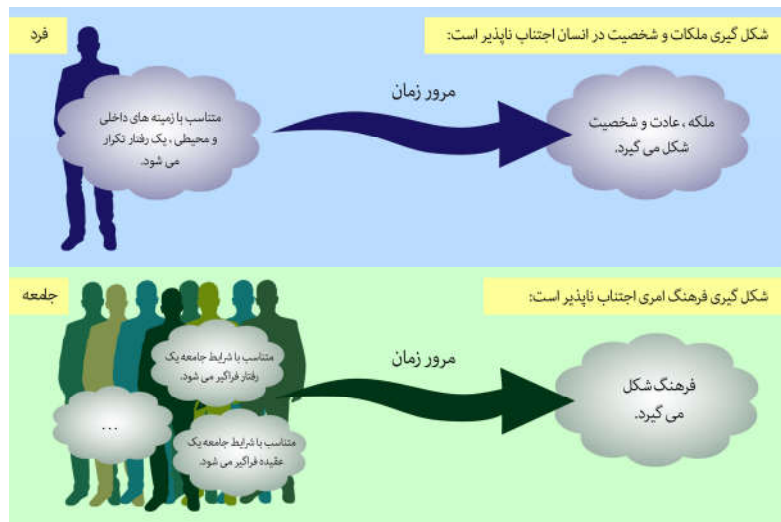
(عنصر فرهنگی - مجموعه فرهنگی - پنج نهاد اجتماعی - خرده فرهنگ - ضد فرهنگ)
هر فرهنگ به شیوه نظام یافته ای سازمان می یابد تا امکان روابط متقابل موثر را برای افراد و گروه ها فراهم کند.



عنصر فرهنگی = کوچک ترین واحد فرهنگی -
(می تواند شی - نماد - حرکت)



مجموعه فرهنگی = مجموعه پیچیده ای از عناصر
منسوب به فرهنگ
توپ ، تور ، راکت و... در بازی پینگ پنگ عنصر
فرهنگی مجموعه فرهنگی بازی هستند.



همه جوامع بشری برای انجام کارکردهای ضروری و تامین نیازهای حیاتی اعضای گروه خود، پنج نهاد اجتماعی اساسی را بنیان نهادند.

- ۱- خانواده
- ۲- آموزش و پرورش
- ۳- سیاست
- ۴- اقتصاد
- ۵- دین---

در آمریکا
۶- نظامی ۷- تفریحی

خرده فرهنگ = گروهی کوچک تر از جامعه)
منسوب به فرهنگ وسیعتر)



*خرده فرهنگ بسیاری از هنجارها و موازین فرهنگ بزرگ تر را می پذیرد ولی از سوی دیگر ، خرده فرهنگ از فرهنگ کل جامعه متمایز است (برخی هنجارها و موازین خاص خود را دارد)
((مثال : بزهکاران _ رفاقت آری _ سخت کوشی و انضباط نه))

*اعضای خرده فرهنگ از کل جامعه جدا نیستند چون با نهادهای طبقه متوسط سنتی تماس دارند

*کسانی که ارزشهایشان ارزش های فرهنگ غالب را به وجود می آورد، افراد وابسته به خرده فرهنگ ها را در میان خود نمی پذیرند و آنان را طرد می کنند.



ضد فرهنگ = گروه های که در جدال با هنجارها و موازین فرهنگ غالب در جامعه هستند - طرد شدید فرهنگ

*برای اینکه فرهنگ به شکل موثر عمل کند و هدفهای جامعه را تامین نماید ، باید عناصر مختلف آن به خوبی با یکدیگر هماهنگ باشند.

* وحدت فرهنگی ، انسجام سازمانی و عملیاتی همه عناصر و مجموعه های فرهنگی است که کارکرد واحدی دارند. (داستان سرخپوست ها و بعد

از تباعد شدن نتیجه تغییر مقدس بودن
گاو میش)

*عناصر و مجموعه فرهنگی از جمله وحدت
فرهنگی ، انسجام سازمانی و عملیاتی که دارای
کارکرد واحدی هستند.

*فرهنگ یکپارچه = فرهنگی که عناصر و
مجموعه های آن پیوند و روابط متقابل با یکدیگر
دارند و دگرگونی در یک مجموعه فرهنگی موجب
دگرگونی در مجموعه های دیگر و همچنین
دگرگونی در کل فرهنگ میشود.

قوم مداری = گرایشی است که بر حسب آن ،
افراد جامعه فرهنگ خود را برتر از فرهنگ
دیگران می پندارند (عاداتها ، سنت ها ، باعث می
شود تا قوم مداری احساس برتری بدهد)

رابطه شخصیت و قوم مداری
* همه گروهها اجتماعی به گسترش قوم مداری
دامن می زنند. اما همه اعضای گروه به یک
اندازه قوم محور نیستند.
* افرادی که نسبت به یک گروه معین تعصب
دارند بیشتر با گروه های دیگر ضد هستند.

آثار مثبت قوم مداری

--- باعث تقویت

۱- احساس مشروعیت گروه

۲- وفاداری

۳- میهن دوستی

۴- ملیت خواهی

*قوم مداری به منزله نیروی مقاوم در برابر دگرگونی ها با حفظ وضع موجود ، نیز بکار می رود.

* یکی از امور اساسی در دوران جنگ برای بالا نگه داشتن روحیه این است که جامعه ، نظام اجتماعی ، ارزش ها ، باورها و سنتهای خود را بهترین یا دست کم خیلی بهتر از ارزش های ملی دشمن بدانند (بسیار مهم که مردم از نظام حکومتی و ارزش های ملی دشمن به شدت بیزار و متنفر باشند)

* هر چه احساس قوم مداری قوی تر باشد ، وطن دوستی و ملیت خواهی منطبق بر آن بیشتر خواهد شد.

زیان های قوم مداری

الف- مانع نوآوری احتمالا سودمند می شود.

ب- بدگمانی به اندیشه دیگران

ج - مسائلی که با استفاده از ابداعات دیگران

حل می شوند ، برای مدت بسیار طولانی بدون

حل باقی می مانند. (گاه بی پایان)

د- قوم مداری افراطی به طرد غیر ضروری و بیهوده خرد و دانش دیگر فرهنگ ها منتهی می شود.

ه - از هر گونه مبادله فرهنگی و غنی سازی فرهنگ خودی جلوگیری می کند.

نسبیت فرهنگی

چنانچه فرهنگ های گروههای دیگر را تنها به اعتبار انگیزه ها و ارزش های خودمان تجزیه و تحلیل کنیم ، فهم الگوهای رفتاری آنها تقریبا غیر ممکن می شود.

*داوری درباره معنی و ارزش هر عنصر فرهنگی را باید در خصوص زمینه فرهنگی آن انجام داد.
*شاید یک عنصر فرهنگی که برای یک جامعه زیانبار است ، برای ثبات جامعه دیگر ضروری باشد.

* ارزش هر رسم بسته به سهمی است که در فرهنگ مربوط به خود دارد. (ورزش کار رزمی روز به روز خشن تر می شود چون لازم دارد)

ضربه فرهنگی --- فردی که تحت تاثیر فرهنگی بیگانه است و بین مردمی زندگی می کند که در باورهای اساسی خود با او وجه مشترکی ندارند ، دچار ضربه فرهنگی می شود. (قبيله آدم خوار ها)

دگرگونی فرهنگی --- برای رها کردن سنتها ، ارزش ها و آداب و رسوم مشکل داریم اما کمتر فرهنگی است در طول تاریخ دچار دگرگونیها نشده باشد. (متفاوت)

* مقاومت در برابر دگرگونی هنگامی بیشتر آشکار می شود که این دگرگونیها با انحراف شدید از ارزش های سنتی و رسوم همراه باشد. (مانند تبلیغ یک دین جدید)

تاخر فرهنگی

(عنصر مادی و عنصر غیر مادی) = مردم دگرگونی در فناوری را که جزئی از حوزه های فرهنگی است می پذیرند ، حال آنکه کمتر هنجارها، ارزش ها ، باورها یا سازمان اجتماعی خود را تغییر می دهند- نتیجه این ناهماهنگی تاخر فرهنگی است.

*تاخر فرهنگی زمانی رخ می دهد که عناصر غیر مادی فرهنگ سعی دارند وضعیت خود را در میان دگرگونی های عناصر مادی فرهنگ حفظ کنند.

*هر فرهنگ را می توان به عناصر مادی و غیر مادی آن تقسیم کرد.

(عناصر مادی مثل کاربرد فناوری جدید از قبیل کمباین و تراکتور -- غیر مادی مانند صنعت چاپ ، اتومبیل سازی و... که بر شیوه زندگی اثر می گذارد)

فرهنگ پذیری = زمانی که یک عنصر فرهنگی از فرهنگ دیگر گرفته شود.

* فرهنگ هایی که با یکدیگر در تماس مستقیم هستند ، هر دو دچار دگرگونی می شوند اما ممکن است در یکی از فرهنگ ها بیشتر از دیگری باشد.

سر چشمه دگرگونی ها اجتماعی و فرهنگی (فناوری ، محیط طبیعی ، دگرگونی در جمعیت ، نیازهای شناخته شده)

* فناوری مهم ترین عامل موثر بر دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی است . * بیشتر در کشورهای پیشرفته رخ می دهد .

* هر چه دگرگونی های فناورانه سرعت بیشتری پیدا کنی ، دگرگونی فرهنگی ناشی از آن بیشتر است.

محیط طبیعی: دگرگونی های ناشی از عوامل طبیعی مانند زلزله

* دگرگونی ناگهانی و شدید در محیط طبیعی کمتر دیده می شود.

* در صورت رخ دادن دگرگونی طبیعی شدید مانند سیل و زلزله تاثیر عمیقی دارد.

* در حالت عادی دگرگونی های محیط طبیعی به حدی آرام هستند (کند) که تاثیر آنها در حیات اجتماعی نمود بسیار کمی دارد

دگرگونی در جمعیت: دگرگونی در تعداد افراد یک کشور دگرگونی های اجتماعی متناسب با خود را بدنبال دارد.

* افزایش جمعیت می تواند باعث مهاجرت یا بهبود تولید گردد که این موجب دگرگونی اجتماعی می شود.

نیازهای شناخته شده: (نیازهای مادی ، نیازهای ذهنی)

* شرط دگرگونی اجتماعی این است که جامعه نیازهای خود را بشناسد.

* همین که اوضاع یک جامعه تغییر کند ، نیازهای تازه پدیدار می گردد.

* نیازها جنبه روانی و ذهنی دارند.

با سپاس فراوان
بابک وزیری